



ویژه نامه حماسه سوم خرداد

بسپج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

سوم خرداد ماه سال ۱۳۹۳ شماره ۲۷

دلاوریم

برخی هنوز پیام سوم خرداد را دریافت نکرده اند!

۱. بزرگتر از ۵۰+۱

برخی می گویند که سکه‌ی جنگ دو رو داشت، یه طرف ایران که برای خریدن سیم خاردار مشکل داشت، یه طرف هم عراق با آن همه یال و کپال! این هم یک نابرابری در نظم مثلاً نوین جهانی بود. درست مثل این روزها که بر سر حق مسلم و ملی ایرانیان دارند چانه میزنند، آن هم نه بارضایت، بلکه با زور و تهدید، به قول حقوق دان‌ها، به وسیله‌ی اکراه!

اما سکه‌ی جنگ امام هم دو رو داشت، حق و باطل. به نظر امام، سال ۶۷ جنگ ناتمام ماند، چون باطل نابود نشده بود. برای همین است که الآن هم با ما می‌جنگند. مگر احمدی روشن در یک سانحه تصادف کشته شد! مگر انرژی هسته‌ای و حق غنی سازی ما همین طوری موضوع میز مذاکره قرار گرفت؟ یعنی ما بیکار بودیم و خواستیم یک نمایش اکشن ایجاد کنیم، بعد گفتیم برویم با ارباب جهان هم شوخی کنیم؟ باور کنید که جنگ هنوز هم ادامه دارد، حتی اگر خرمشهر آزاد شود. امام هم گفت: «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» (۶۳/۹/۲۰)

جنگ ایران و عراق از پیچیده ترین جنگ های این جهان بود. جنگ یک کشور با بسیاری از مشکلات سیاسی و اقتصادی، با کشوری که تنها ۴۵ کشور چرخ دنده های ارتشش را روغن می‌زدند. اولش سخت بود، عراق می آمد جلو و ما عقب می‌رفتیم. سر پل ذهاب، سوسنگرد، قصر شیرین و خرمشهر را دادیم. مگر می‌شود ما عقب برویم و انتظار داشته باشیم گرگ هم ادامه در صفحه ۴ ...

ایران حذف شده می‌دیدیم و یا با جنگ و دندان و تحمل سختی‌ها آن را آزاد می‌کردیم اما باور به تلازم همیشگی رشد و سختی راه دوم را آسان می‌کند. نتیجه‌ی آن را در بیان قرآنی میتوان دید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (۶/ شرح).

یکی دیگر از عوامل پیروزی ما در این عملیات، به میدان آمدن و اقدام نیروهای مردمی بوده است. در برهه‌های مختلف تاریخ انقلاب اسلامی دیده‌ایم در هر مسئله‌ای که میدان در اختیار مردم قرار گرفته، آن کار به برکت استقامت ستودنی و بصیرت ریشه دار آنان با موفقیت توأم بوده است.

از دیگر عوامل مهم پیروزی خرمشهر نقش بی بدیل رهبری حضرت امام (ره) بود. ایشان تاکید کرده بودند که خرمشهر باید آزاد شود؛ فرماندهان غیور و ولایت‌مدار با اقتدا به امام، با رفتار و گفتارشان نه تنها ریشه‌ی هرگونه ترس و ناامیدی را در دل‌های رزمندگان ریشه کن می‌کردند بلکه قلب‌های آنان را مملو از شجاعت و روحیه‌ی فداکاری در راه ارزش‌ها می‌نمودند.

می‌شود فریاد «ما می‌توانیم» را از پژواک الله اکبر رزمندگان بر فراز مسجد جامع شنید. هنوز نصرت الهی یاور مومنین هست، هنوز پابرهنگان و مستضعفان رزمگاه‌ها را خالی نکرده‌اند، هنوز کشتی انقلاب بی‌ناخدا رها نشده، پس هنوز می‌توان به فتح‌های بزرگتر امیدوار بود ...

ما نیز در مسیر انقلاب اسلامی، از زمان مبارزات علیه رژیم پهلوی تا کنون بارها این سنت را با گوشت و پوست خود لمس کرده است.

البته خداوند در آیه‌ای دیگر شرط یاری خویش را اینگونه بیان می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (۱۱/ رعد) لازمه این نصرت

می‌شود فریاد «ما می‌توانیم» را از پژواک الله اکبر رزمندگان بر فراز مسجد جامع شنید. هنوز نصرت الهی یاور مومنین هست، هنوز پابرهنگان و مستضعفان رزمگاه‌ها را خالی نکرده‌اند، هنوز کشتی انقلاب بی‌ناخدا رها نشده، پس هنوز می‌توان به فتح‌های بزرگتر امیدوار بود ...

و یاری خداوند اراده و خواست خودمان است. خداوند افرادی را یاری می‌کند که تلاش و کوشش نمایند و در راه رسیدن به هدف، تلاش کنند و فداکارانه از پرداختن هزینه‌های این جهاد خوفی به دل راه ندهند.

در داستان آزادسازی خرمشهر پیروزی آسان نبود، در برابر دشمنانی غیر قابل اعتماد چون صدام یک راه بیشتر قابل تصور نمی‌توانست باشد و آن مقاومت و پافشاری بر حقوق بود.

یا باید دیار خرمشهر را از جغرافیای

سکوت کن و گوش کن! فریاد تکبیر رزمندگان سپاه اسلام را بر فراز مسجد جامع خونین شهر خواهی شنید: «الله اکبر» ...

«ما اکثر العبر و اقل الاعتبار» (حکمت ۲۹۷) چه بسیارند عبرتها و چه اندکند عبرت گیران.

رخدادهایی که برای انقلاب اسلامی در طول این ۳۶ سال رخ داده، هر کدام دارای پیام‌هایی است که مناسب هر مناسبتی است تا آن را بهانه قرار دهیم و درس‌های انقلاب را مرور کنیم. از جمله‌ی آن حوادث تاریخی مهم آزادسازی خرمشهر است.

در آن سوی جبهه، نیروی عظیم به ظاهر متحد شده‌ی رژیم بعث و کشورهای حامی‌اش به همراه امکانات و وسایل گسترده و مجهز و در این سو مشکلات مالی موجود در کشور به دلیل وجود تحریم‌های شکل گرفته، عدم انسجام و هماهنگی نیروهای مسلح داخلی، نداشتن امکانات دفاعی مناسب و ... همه و همه سبب می‌شد که این فتح ناممکن به نظر برسد.

اما رمز پیروزی چه بود و چه چیزی باعث شد که در این برهه علی رغم مشکلات و کاستی‌های فراوان پیروز شویم و اندکی در برابر قلداران جهان سر خم نکنیم؟

پاسخ این سوال در یک سنت غیر قابل تغییر الهی نهفته است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (۷/ محمد).

اصحاب حق در طول تاریخ و ملت مومن

دفتر تاریخ را که ورق می‌زنی؛ صفحات مهم آن، **سرخ‌رنگ** است! رد پای یک نفر به چشم می‌خورد؛ یک **قربانی** ...

«بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکّل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند.» [۱]

صفحه اول:

وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ **لَأَقْتُلَنَّكَ** ... (المائدة / آیه ۲۷)

ماجرای از روزی آغاز شد که زمین چشمانش را باز کرد و سنگینی آدم و فرزندان را بر دوش‌های خود احساس کرد. روایت این داستان از زبان زمین زیباست.

زمین برایم می‌گفت... از بزرگ‌ترین جنگ جهانی، از خون به ناحق ریخته هابیل، از لرزش‌های دست قابیل هنگام دفن برادرش و ...

و او باز روایت می‌کرد؛ روایت مبارزه‌ای به طول تمام عمرش: ابراهیم علیه‌السلام و نمرود؛ موسی علیه‌السلام و فرعون و ...

داستان مبارزات محمد صلی الله علیه و آله و سلم با مستکبرین قریش برایم شنیدن داشت و خاطراتش از مظلومیت‌های علی علیه‌السلام -کسی که تمام وجودش را وقف اسلام کرده بود- اشک‌هایم را سرازیر می‌کرد. روایت‌های **قربانی** شنیدن

دارد اما نمی‌خواهم بیش از این زمین را اذیت کنم ...

جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد

«جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.» [۲]

زمین منتظر بود...

تاریک و روشن‌ترین صفحه:

وَ قَدْ يَنَافُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ ... (الصافات / آیه ۱۰۷)

از زمان جناب آدم علیه‌السلام قرار بود هر جا تمرین بندگی است؛ استاد درس، پدر بندگی -آبا عبدالله- باشد! این‌ها را زمین می‌گفت. کلاس درس جناب ابراهیم علیه‌السلام و ذبح اسماعیل علیه‌السلام را برایم شرح داد. گریه‌های ابراهیم علیه‌السلام نمره قبولی‌اش بود!

اما **قربانی** این دفعه متفاوت است؛ **قربانی** ای برای نجات تمام بشریت از جهالت و ضلالت. بازیگر این صحنه خود استاد است...

وَ يَذَلُّ مُهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ

مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ ...» [۳] (... و حسین بن علی علیه‌السلام خون قلب خود را در راه تو داد؛ تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی برهاند.)

«دروود خداوند و سلام امت اسلامی بر این **خط سرخ شهادت**. و رحمت بی‌پایان حق تعالی بر **شهیدان** این خط در طول تاریخ. ... اینان پیروان **سید شهیدانند** که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را **قربان** کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود.» [۴]

بغض گلوی زمین را گرفته بود...

صفحه یکی مانده به آخر:

... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (المائدة / آیه ۵)

امید را در چشمان زمین می‌توان دید. او مردی به تمام معنا را دیده است. او از تبار هابیلیان بود و بوی ابراهیم بت شکن را می‌داد. اصلاً او از نسل **قربانی** بود و خود نیز یک **قربانی** بود...

«امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است. و نجات آن **قربانی** می‌خواهد. و دعا کنید من نیز یکی از **قربانی‌های** آن گردم.» [۵]

اما گرد او را پاره‌های آهن گرفته بودند؛ **قربانی‌هایی** دیگر، بسیجیان!

مأموریت بسیجی -بخوانید **قربانی**!- به قدمت تمامی **قربانی‌های** روی زمین است. اصلاً بسیجی، **قربانی** این مسیر است؛ حتی اگر یکه و تنها بماند...

اما زمین هنوز منتظر آن زمان است... زمین می‌گفت پر رنگ‌ترین صفحه این کتاب را هم بسیجیان رقم می‌زنند (اصلاً باید رقم بزنند)...

صفحه سبز تاریخ را می‌گوییم: وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (القصص / آیه ۵)

«باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است...» [۶]

مأموریت بسیجی

بخوانید قربانی! به قدمت تمامی قربانی‌های روی زمین است. اصلاً بسیجی، قربانی این مسیر است؛ حتی اگر یکه و تنها بماند...

پی‌نوشت:

- ۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۱۹۵
- ۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۸۴
- ۳- الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة) ج ۳ / ص: ۱۰۲
- ۴- صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۲۲۷
- ۵- صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۱۶۰
- ۶- صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۱۹۵

تمام شدنی نیست...

با شیطان برد - برد معنی ندارد!

یادداشت شفاهی از دکتر همایون | عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام



دست تا حد خیلی زیادی در گرو شناخت ما از دشمن است، اگر ما دشمن را به عنوان حزب شیطان تلقی کنیم، این خیلی فرق می‌کند تا شما فکر کنید دشمنان یک کشوری است که اتفاقاً مثل ما به دنبال منافع ملی‌اش هست و منافع ملی‌اش اقتضا می‌کند که با یک کشور دیگر که در کنارش دارد قدرتمند می‌شود وارد مذاکره بشود.

با شیطان برد - برد معنی ندارد. شیطان پای همه چیز شما ایستاده. بالاخره آخرش می‌خواهد شما را از میدان به در کند. به نظر من موضوع ما و آمریکا به این مقطع منحصر نیست. اگرچه این مقطع روشن‌ترین مقطعش است، اما موضوع او نبودن ما است و موضوع ما نبودن او!

در تحلیل ما که قرآنی است، هر موجودی که شیطنت داشته باشد و با حق و استقرار آن تقابل بکند شیطان است. سلسله‌ی این جریان، موجودی بود از جن به نام ابلیس ولی ماجرا در ابلیس متوقف نشد. به جنیان دیگر هم کشیده شد و طایفه‌ای به نام شیاطین جن درست کرد و از بین انسان‌ها هم یارگیری کرد و یارگیری انسان‌ها بعداً توأم با یک سازماندهی شد که می‌توان از آن به نام حزب شیطان یاد کرد که متشکل از انس و جن است. این حزب شیطان در اوج سازماندهی‌اش به یک وضعیت تمدنی و حکومتی دست یافته و این همان چیزی است که ما تحت عنوان آمریکا می‌شناسیم.

اسلامی یکی از بزرگترین مصادیق مقاومت بود. یکی دیگر از بزرگترین مصادیقش، مقاومت هشت ساله ما در جریان دفاع مقدس است که آن موقع می‌شد به نحوی با صدام کنار آمد، یک امتیازاتی داد و به ظاهر امتیازاتی گرفت ولی پر واضح است که نتایج متفاوت می‌بود. نسل جدید ما شاهد این ماجرا

کم یا زیاد بودن قدرت شیطان، تابعی است از میزانی که ما عقب‌نشینی می‌کنیم و اجازه می‌دهیم که ابلیس وارد زندگی ما شود. مقاومت به معنای درجا زدن و یک جا ایستادن نیست!

بوده که در جریان پیشرفت علمی می‌توانستیم مقاومت‌مان را از دست بدهیم و اعتماد کنیم به دشمنانمان ولی این اتفاق رخ نداد و ما روی پای خودمان ایستادیم و امروز به این مرحله از پیشرفت علمی رسیدیم. در بقیه مواردی که ما در این جریان تمدن‌سازی و زمینه‌سازی ظهور هم پیش رو داریم به نظر می‌رسد که این الگو را باید فهم کنیم و بر اساس همین الگو جلو برویم. موضوع مقاومت یک موضوع تبعی و اضطرابی نیست که اگر نگذاشتند بروید جلو، مقاومت کنید. موضوع اصلی هست که همین مقاومت شما را جلو می‌برد. مسئله مذاکرات و مسائلی از این

لحاظ مصادیقی هم در تاریخ کاملاً قابل مشاهده است. به هر میزان که عقب‌نشینی کردید، به همان میزان و حتی چندین برابر، او هم جلو می‌آید. این ویژگی، ویژگی خود شیطان است. این کم یا زیاد بودن قدرت شیطان، تابعی است از میزانی که ما عقب‌نشینی می‌کنیم و اجازه می‌دهیم که ابلیس وارد زندگی ما شود. در طول تاریخ و تمام این سی و چند سال که در انقلاب جلو آمدیم، با همین مقاومت‌ها بوده است. در واقع با این تعریفی که ما از مقاومت کردیم، به همین معنایی که عقب‌تر نروید، به طور طبیعی جلوتر می‌روید، چون قدرت حزب‌الله پشت سرتان است و ضعف حزب شیطان روبه رو. پس همین مقدار که ما مقاومت کنیم، به طور طبیعی پیشرفت هم می‌کنیم. مقاومت به معنای درجا زدن و یک جا ایستادن نیست!

اگر بخواهیم به بررسی قله‌های این نبرد همراه با استقامت در عصر خودمان بپردازیم، خود انقلاب

اگر ما دشمن را به عنوان حزب شیطان تلقی کنیم، این خیلی فرق می‌کند تا شما فکر کنید دشمنان یک کشوری است که اتفاقاً مثل ما به دنبال منافع ملی‌اش هست و منافع ملی‌اش اقتضا می‌کند که با یک کشور دیگر که در کنارش دارد قدرتمند می‌شود وارد مذاکره بشود.

موضوعی در بررسی‌های تاریخی و البته راهبردی وجود دارد به نام سنت‌ها و این که خداوند برای اداره جهان، سنتی دارد و آن سنت را به ما اعلام کرده است. سنت‌ها قواعدی هستند که جامعه و تاریخ بر اساس آن اداره می‌شود و اگر شما سنت‌ها را بشناسید و خودتان را در راستای سنت‌ها قرار بدهید، پیروزی با شماست. یکی از مهم‌ترین این سنت‌ها، موضوع پیروزی نهایی حق بر باطل است. این یکی از سنت‌های خیلی جدی و مهم است: «کتب الله لأغلبن أنا و رسلی» (۲۱/ مجادله).

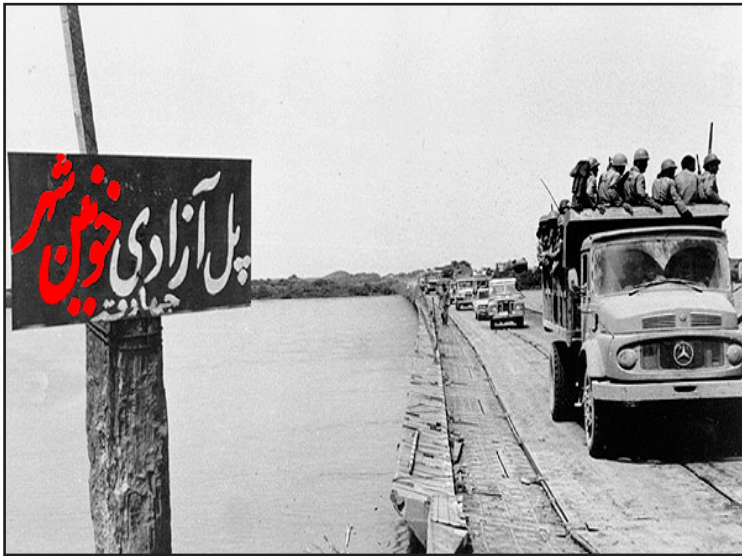
در واقع در دل و ذات این سنت تاریخی، موضوع زمان نهفته است؛ یعنی زمان به نحوی که ما در آن قرار گرفتیم، می‌تواند این پیروزی نهایی حق بر باطل را به ما نشان بدهد. برای این که این زمان درست بگذرد، قاعدتاً جناح حق وظایفی دارد و انجام می‌دهد. جناح باطل هم در پی این است که نگذارد این زمان و فرصت، به دست جریان حق و خط انبیا و حزب الله بیافتد. این جا حرف اساسی را مقاومت می‌زند و نشان می‌دهد که چرا باید مقاومت کرد. ما باید مقاومت کنیم که جلو حزب شیطان را بگیریم تا این اتفاق نیافتد. از این جا فلسفه مقاومت درمی‌آید. به هر میزان که مقاومت می‌کنید پیروزی می‌بینید. این حتی از

بنده در همان دوران غربت - وقتی خرمشهر در اشغال دشمنان بیگانه بود - نزدیک پل خرمشهر رفتم و به چشم خودم دیدم وضعیت چگونه است. فضا غم‌آلود و دل‌ها سرشار از غصه بود و دشمن با اتکاء به نیروهای بیگانه که به او کمک می‌کردند - همین امریکا و غربی‌ها و همین مدعیان دروغگو و منافق حقوق بشر - در خرمشهر مستقر شده بود. تانک‌های او، وسایل پیشرفته‌ی او، هواپیماهای مدرن او، نیروهای تا دندان مسلح او؛ بچه‌های ما آر. پی. جی هم نداشتند؛ با تفنگ می‌جنگیدند؛ اما با ایمان و با صلابت. همین جوانان، با دست خالی، اما با دل پُر از امید و ایمان به خدا، بدون این که ابزار پیشرفته‌ی داشته باشند و بدون این که دوره‌های جنگ را دیده باشند، وسط میدان رفتند و بر همه‌ی آن عوامل غلبه پیدا کردند.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۳/۳



داستان یک فتح واقعی ...



هدف بزرگی داشتند. برای همین نامش را هم همین قرار دادند. «الی بیت المقدس». بیت المقدسی که باید آزاد شود. اما راه قدس هم از کربلا می‌گذرد. کربلایی که در مقابل زورگویان قد خم نکرد. ما هم در مقابل همه دنیا، شرق و غرب، قد خم نکردیم. امروز هم قد خم نخواهیم کرد. مقاومت در برابر ظالمان است که رمز پیروزی ما بوده و هست.

تلاش برای طرح ریزی و اجرای عملیات الی بیت المقدس در موقعیت بسیار حساسی انجام شد، وضعیت داخلی کشور با انهدام بقایای ضد انقلاب به تدریج رو به بهبودی و ثبات پیش می‌رفت. اوضاع منطقه نیز به دلیل نگرانی آمریکا از نتایج ناشی از پیروزی ایران بر عراق، به گونه ای آشکار ملتهب بود، ضمن اینکه مناسبات اعراب و اسرائیل با آمادگی اسرائیل برای تهاجم به جنوب لبنان، در وضعیت حساسی قرار داشت. در چنین موقعیتی، بی گمان، نتیجه این عملیات برای همه بسیار سرنوشت ساز بود، لذا سرعت عمل در اجرای این عملیات برای ایران بسیار با اهمیت داشت.

زمینه ی اجرای عملیات الی بیت المقدس متأثر از نتایج عملیات‌های پیشین بود که با شکستن حصر آبادان آغاز شد و بعد از آن نیز با فتح المبین ادامه یافت. مرحله ی اول عملیات در غرب کارون و در روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ آغاز شد. دشمن گمان نمی کرد که ایران بتواند با عبور از رودخانه خود را به جاده‌ی اهواز خرمشهر برساند. لیکن این امر تحقق یافت.

در مرحله‌ی دوم عملیات که روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ شروع شد، تهاجم ایران به سوی نوار مرزی، از جاده اهواز-خرمشهر در ناحیه ی غرب کارون آغاز گردید. مرحله‌ی سوم عملیات که ده روز مداوم به طول انجامید، با هدف نهایی آزاد سازی

خرمشهر شروع شد. سرانجام در پی عملیات دوم و سوم خرداد ۶۱ نیروهای ایران، عراقی ها شکست را پذیرفته، با دادن تلفات و ضایعات بسیار زیاد، خرمشهر را به صاحب اصلی آن واگذار کردند.

فتح خرمشهر به عنوان بزرگترین پیروزی سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال دوم جنگ، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در این عملیات توفیقات نظامی قابل توجهی از جمله آزادی ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های اشغالی برای نیروهای ایران بدست آمد و دشمن متجاوز برای اجتناب از تلفات بیشتر و حفظ بصره، با سرافکندگی بسیار، از خاک ایران عقب نشست.

... ادامه از صفحه ۱

عقب نشینی کند؟ اما امام امت مردم را راهنمایی کرد: «حصر آبادان باید شکسته شود» (۵۹/۸/۱۴). عملیات ثامن الائمه شکل گرفت (۶۰/۷/۵) و حصر آبادان شکسته شد. عملیات الی بیت المقدس شکل گرفت. ۳ خرداد ۶۱ هم خرمشهر آزاد شد. حالا دیگر صدام حریف سربازان خمینی نمی شد. بچه‌ها بعد از این که فاو را گرفتند، به فکر بصره و از آن طرف، بغداد افتادند.

آزادی خرمشهر شاید یک پنهان بود، برای این که ثابت کنند «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»: اگر در مسیر پایداری کنند قطعاً آنها را با آبی فراوان و گوارا سیراب می‌کنیم (۱۶/جن) و چراغی برافروزند برای رهروان آینده، برای مردم و دولتمردان، همان فرزندان خمینی که امروز برومند شده و می‌خواهند پای میز مذاکره حقانیت ایران را به رخ جهانیان بکشند. نباید ترسید، همان‌طور که جوان‌های دیروز هنگام گذر از اروندرود نهراسیدند و نباید عقب نشست، همان‌طور که شیرمردان بسیجی ما ایستادند، و پاداش این ایستادگی فاو و بالاتر از آن بود. پس اکنون باید همچون طلایه‌داران تاریخ استوار و جوشنده ایستاد و به سوی روشنایی رفت که امام روزی وعده اش را داد. باید آهنگ خاوران داشت.

در این کشتی درآ، پا در رکاب ماست دریاها
مترس از موج، بسم الله مجریها و مُرسیها

اگر این ساحران اطوار می‌ریزند طووری نیست!
عصا در دست اینک می‌رسند از کوه موسی ها

زمین آسمان جُل را به حال خویش بگذارید
کسی چشم انتظار ماست آن بالا و بالاها

بباید هر که از فرهاد شیرین عقل‌تر باشد
نیاید هیچ کس جز ما و مجنون ها و لیلها

همین از سر گذشتن سرگذشت ماست پنداری
همین سرها... همین سرهای سرگردان صحراها

شب قدری رقم زد خون ما تقدیر عالم را
که همرنگ غروب ماست صبح سرخ فرداها

محمد مهدی سیار

فتح؛ ویژه‌نامه سالروز آزادسازی خرمشهر

ماهنامه فرهنگی- سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: سید محمدحسین هاشمی گلپایگانی/ جانشین مدیرمسئول: محمدحسین

فیضی‌پور/ سردبیر: حمید خداشناس

باتشکر از: دکتر محمد هادی همایون/ دکتر علی خلیلی/ محمد مهدی سیار/ علی سلیمانی/

مجید صادقی/ مصطفی طاهری/ بهنام امینی/ سید محمدحسن حسینی

پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام www.basijisu.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

کلاس: تاریخ

موضوع: الگوهای تعامل با دشمن

ی: دشمن دشمن

x: عقب نشینی

$$y = (x+1)x$$